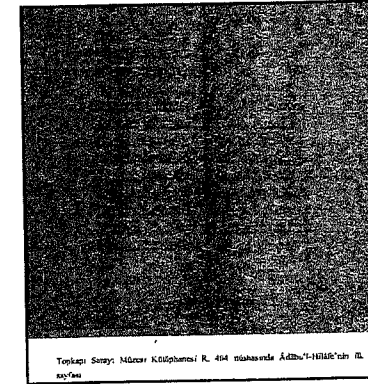
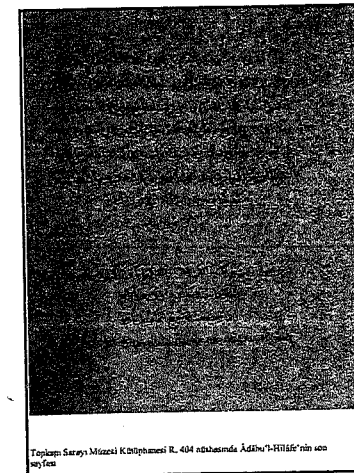


- (۱۳۶۵)، منحنی تحول اندیشه سیاسی غزالی، مجله معرف، دوره ۳، ش ۳.
- طوسی، ابوعلی حسن خواجه نظام الملک (۱۳۴۷)، سیاست نامه، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۴۶)، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات جاویدان علمی.
- ماوردی، ابی الحسن علی بن محمد بن حبیب البحرى البغدادی (۱۹۸۵)، احکام السلطانیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.



Topkapı Sarayı Müzesi Kütüphanesi R. 404 no.lu basında Adhbu'l-Hilafet'in 11. sayfası



Topkapı Sarayı Müzesi Kütüphanesi R. 404 no.lu basında Adhbu'l-Hilafet'in 11. sayfası

مطالعات تاریخ اسلام

سال ششم / شماره ۲۲ / پاییز ۱۳۹۳ شمسن

Süleyman Şah-
سلیمان شاه ایوه و حمله مغول
181427

محسن رحمتی^۱

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN



02 Temmuz 2018

چکیده: حکومت ترکمانان ایوایی، به زعامت آل پرچم، در نیمه دوم سده ششم هجری در بخش غربی منطقه جبال، شکل گرفته و با حاکمیت سلیمان شاه ایوه در نیمه اول سده هفتم به اوج قدرت رسید. در جریان تنازع میان خلافت و سلطنت سلجوقی (و بعد از آن خوارزمشاهی)، موقعیت خود را تثبیت نموده و به عنوان یک دولت حائل به رسمیت شناخته شد. پس از حمله مغول و نابودی حکومت خوارزمشاهی، ترکمانان ایوایی به سرکردگی شهاب الدین سلیمان شاه ایوه با پیوستن به جلال الدین خوارزمشاه به مقابله با مغولان برخاستند. بعد از مرگ خوارزمشاه با خلافت عباسی متحد شده و قریب به سی سال در برابر پیشروی مغولان به سوی بغداد ایستادگی کردند؛ ولی سرانجام با فتح بغداد در ۶۵۶ق، و قتل سلیمان شاه، امارت ایوه نیز از هم پاشید. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، نقش و جایگاه امارت ایوایی و سلیمان شاه ایوه در تحولات سیاسی-نظامی جهان اسلام در آستانه سقوط بغداد را بررسی می کند.

واژه های کلیدی: سلیمان شاه ایوه، ترکمانان ایوایی، آل پرچم، کرمانشاهان، بغداد، خلافت

عباسی، ایلغار مغول

۸۱-۱۰۴

۱ دانشجویار گروه تاریخ دانشگاه لرستان mohsenrahmati45@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۵/۲۳ تاریخ تأیید: ۹۳/۰۲/۰۶

شعر می‌سرود و یک رباعی از او (درباره قتل حسام‌الدین خلیل) در منابع ثبت شده (ع حمدالله مستوفی، همانجا؛ بدلیسی، ج ۱، ص ۴۰) و جاجرمی (ج ۲، ص ۷۰۷) به رباعی دیگر او اشاره کرده‌است. سلیمان‌شاه نجوم نیز می‌دانست (ع رشیدالدین فضل‌الله همدانی، همانجا؛ میرخواند، ج ۵، ص ۲۴۶).

منابع: ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۵-۱۳۸۷/۱۹۶۵-۱۹۶۷، چاپ افست بیروت [بی‌تا]؛ ابن‌اثیر؛ ابن‌عبری، تاریخ مختصر الدول، بیروت: دارالمسیره، [بی‌تا]؛ شرف‌الدین بن شمس‌الدین بدلیسی، شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان، چاپ ولادیمیر ویامینوف زرنوف، سن پترزبورگ ۱۲۷۶-۱۲۷۸ / ۱۸۶۰-۱۸۶۲، چاپ افست تهران ۱۳۷۷ش؛ داوود بن محمد بناکتی، تاریخ بناکتی = روضة اولی‌الالیاب فی معرفة التواریخ و الانساب، چاپ جعفر شعار، تهران ۱۳۴۸ش؛ محمد بن بدر جاجرمی، مؤنس الاحرار فی دقائق الاشعار، با مقدمه محمد قزوینی، چاپ میر صالح طیبی، تهران ۱۳۳۷-۱۳۵۰ش؛ جوینی؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده؛ همو، نزهة القلوب؛ الحوادث الجامة و التجارب النافعة فی المائة السابعة، [منسوب به] ابن قوطی، بیروت: دارالفکر الحدیث، ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی؛ معین‌الدین نطنزی، منتخب التواریخ معینی، چاپ ژان اوین، تهران ۱۳۳۶ش؛ عثمان بن محمد منهاج سراج، طبقات ناصری، یا، تاریخ ایران و اسلام، چاپ عبدالحی حبیبی، تهران ۱۳۶۳ش؛ میرخواند؛ محمد بن احمد نسوی، سیرت جلال‌الدین مینکبری، چاپ مجتبی مینوی، تهران ۱۳۶۵ش؛ عبدالله بن فضل‌الله و صاف‌الحضرة، تاریخ و صاف، چاپ سنگی بمبئی ۱۲۹۹؛ رضاقلی بن محمد هادی هدایت، مجمع الفصحاء، چاپ مظاهر مصفا، تهران ۱۳۲۲ش.

/ مریم یدالله پور /

سلیمان‌شاه سلجوقی، فرزند سلطان محمد و نوهٔ ملک‌شاه، از حکمرانان سلجوقی عراق در سدهٔ ششم. او ظاهراً کوچک‌ترین فرزند سلطان محمد بن ملک‌شاه* بود که اندکی پیش از مرگ پدرش در رجب ۵۱۱ متولد شد (ع راوندی، ص ۲۷۴؛ قزوینی، ص ۱۷۸، ۱۸۵؛ غفاری قزوینی، ص ۱۱۱-۱۱۲). در ۵۲۱، هنگامی که سلطان سنجر* (حک: ۵۱۱-۵۵۲؛ برادر سلطان محمد) به ری رفت، سلیمان‌شاه نیز همراه برادرانش نزد او رفت (ع بُینداری، ص ۱۴۳). چون سنجر فرزند ذکور نداشت، سلیمان‌شاه را به ولایت‌عهدی خود برگزید (ابن‌اثیر، ج ۱۱، ص ۲۰۵؛ منهاج سراج، ج ۱، ص ۲۶۸). در ۵۳۳، سنجر حکومت خوارزم را به سلیمان‌شاه واگذار کرد، اما اندکی بعد آتیز* با حمایت اهل خوارزم به عرصهٔ قدرت بازگشت و سلیمان‌شاه ناگزیر به دربار سنجر گریخت (جوینی، ج ۲، ص ۵؛ قس اسناد و نامه‌های تاریخی، ص ۹۷، که به خطا تاریخ این واقعه را بعد از جنگ قَطوان (۵۳۶) نوشته و

سپاه هولاکو ظاهر شد (ع و صاف‌الحضرة، ص ۳۵؛ میرخواند، ج ۵، ص ۲۴۳).

به‌طور قطع، هولاکو پیش از حمله به بغداد از اهمیت قدرت نظامی سلیمان‌شاه نزد خلیفهٔ عباسی باخبر بود. انتخاب سلیمان‌شاه به‌عنوان یکی از سه رجل عالی‌رتبهٔ مستعصم برای مذاکره در همدان قبل از حمله به بغداد (ع جوینی، ج ۳، ذیل نصیرالدین طوسی، ص ۲۸۱؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ج ۲، ص ۹۹۸؛ الحوادث الجامعة، ص ۱۵۴؛ و صاف‌الحضرة، ص ۳۱) و اصرار هولاکو بر تسلیم شدن سلیمان‌شاه به‌همراه اتباعش به‌عنوان شرط مذاکره با خلیفه بعد از محاصرهٔ بغداد (ع جوینی، ج ۳، همان ذیل، ص ۲۸۷؛ ابن‌عبری، همانجا؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ج ۲، ص ۱۰۱۲)، دلایلی است بر وقوف هولاکو بر اهمیت قدرت نظامی و سیاسی سلیمان‌شاه. سلیمان‌شاه مانند دواتدار صغیر، بعد از تسلیم شدن خلیفه، دست از جنگ با سپاه هولاکو برداشت. هولاکو برای تسلیم کردن سلیمان‌شاه برخی افراد بانفوذ مانند فخرالدین دامغانی (صاحب‌دیوان خلیفه) و محیی‌الدین یوسف بن عبدالرحمان ابن‌جویری (استادالدار یا رئیس تشریفات دربار) را واسطه قرار داد (جوینی، ج ۳، همان ذیل، ص ۲۸۹-۲۹۰؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ج ۲، ص ۱۰۱۴؛ میرخواند، ج ۵، ص ۲۴۶). بعد از تسلیم شدن سلیمان‌شاه، بدرالدین مسعود (حاکم لرستان، برادر حسام‌الدین خلیل) که هولاکو را در حمله به بغداد همراهی کرده بود، درصدد رهایی سلیمان‌شاه برآمد، زیرا سلیمان‌شاه بعد از جنگ با حسام‌الدین خلیل نه‌تنها به بدرالدین امان داد، بلکه حکومت لرستان را نیز به او واگذار کرد (معین‌الدین نطنزی، ص ۵۹)؛ اما هولاکو خواست بدرالدین را نپذیرفت (ع حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۵۵۷؛ بدلیسی، ج ۱، ص ۴۰-۴۱). سرانجام به دستور هولاکو، سلیمان‌شاه و هفتصد تن از اتباعش کشته شدند. سر او به‌همراه سر چند تن از امرای دیگر به موصل فرستاده شد تا بر دار نصب شود (ع منهاج سراج، ج ۲، ص ۱۹۶؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ج ۲، ص ۱۰۱۵؛ الحوادث الجامعة، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ بناکتی، ص ۴۱۸). بدرالدین بعد از قتل سلیمان‌شاه خانوادهٔ او را با خود به لرستان برد و آنان را اکرام کرد (حمدالله مستوفی، همانجا؛ بدلیسی، ج ۱، ص ۴۱). منهاج سراج (ج ۲، ص ۱۹۲) رشادت سلیمان‌شاه و قبیله‌اش را به‌سبب مقاومت در برابر مغولان ستوده‌است. اثیرالدین اومانی* شاعر، مداح سلیمان‌شاه بود و اشعاری در وصفش سروده‌است (ع و صاف‌الحضرة، ص ۲۷؛ بناکتی، همانجا؛ بُنیرخواند، ج ۵، ص ۲۳۶؛ هدایت، ج ۱، بخش ۱، ص ۳۸۷).

سلیمان‌شاه خود نیز از علم و دانش بهره داشت. او به فارسی

181427

SÜLEYMAN ŞAH

-
- 1 ADNAN ÇEVİK, Sultan Muhammed, Sultan Süleymanşah, Sultan Arslanşah devrinde Irak Selçuklu tarihi (548-572/1153-1176), Marmara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 1995

Sultan Muhammed, Sultan Süleymanşah, Sultan Arslanşah devrinde Irak Selçuklu tarihi (548-572/1153-1176)/The History of Iraq Selçukids at the periods of Sultan Muhammed, Sultan Süleymanşah, Sultan Arslanşah (548-572/1153-1176). ÇEVİK, Adnan. Yüksek Lisans. Marmara Üniversitesi, Türkiyat Araştırmaları Ens., İstanbul, 1995. 107 s., 87 ref.

Danışman:Doç.Dr.Gülşay Bezer(Öğün). Dili:Tr.

Süleyman Şah 181427
Hazine Sahibi: Tuzluk 011235

22 Haziran 2015

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN